

مراد پیامبر(ص) از «روزه سکوت»/

آیت‌الله مجتبی‌تهرانی با اشاره به روایتی از پیامبر اعظم(ص) گفت: میراث سکوت، حکمت است. پس معلوم می‌شود منظور از «صوم صمت» که در روایات هست، حرف نزدن مطلق نیست، بلکه مراد همان «قلت کلام» و پرهیز از بیهوده‌گویی است.



مراد پیامبر(ص) از «#روزه سکوت»/ دو مناجاتی که همه ائمه(ع) می‌خواندند
آیت‌الله مجتبی‌تهرانی با اشاره به روایتی از پیامبر اعظم(ص) گفت: میراث سکوت، حکمت است. پس معلوم می‌شود منظور از «#صوم صمت» که در روایات هست، حرف نزدن مطلق نیست، بلکه مراد همان «#قلت کلام» و پرهیز از بیهوده‌گویی است.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت‌الله مجتبی‌تهرانی از اساتید برجسته اخلاق به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، سخنانی در باره اهمیت این ماه و منازل سیر و سلوک به سوی خدا بیان کرده است که مشروح آن در پی می‌آید:

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ... (بحارالأنوار جلد 91 صفحه 96)

در مناجات‌هایی که از ائمه اطهار(ع) نقل شده است، دو مناجات را دیده‌ام که همه ائمه(ع) آن را می‌خواندند؛ یکی مناجات شعبانیه است که در مفاتیح هست، یکی هم مناجاتی است که با این جملات شروع می‌شود: «#اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ...»؛ مرحوم مجلسی در بحارالأنوار نقل می‌کند که این مناجات از علی(ع) است و همه ائمه هم آن را می‌خواندند.

برای اینکه این جملات دعا را کمی توضیح دهم، به طوری که مرتبط با ایام ماه مبارک رمضان هم باشد، یکی دو نکته را مقدمتاً عرض می‌کنم.

ماه رمضان، ماه تقرب به خدا

مطلب اول اینکه درباره ماه مبارک رمضان اهل معرفت این تعبیر را دارند که این ماه، دار ضیافت الهی و یکی از منازل سالکین‌إلی‌الله است. «#سلوک‌إلی‌الله» یعنی سیر معنوی روح به سوی خدا و تقرب به او که البته این سیر و این تقرب، دارای درجات و مراتب است.

منازل سیر و سلوک به سوی خدا

گام اول، تجلیه

این سیر و سلوک چهار قدم دارد؛ اهل معرفت از قدم اول تعبیر می‌کنند به «#تجلیه»، یعنی آراستن ظاهر به آداب شرع و عمل کردن به دستورات شارع مقدس در این ماه مبارک رمضان؛ یعنی همین روزه گرفتن و آداب ظاهریه. پس گام اول، قدم اول تجلیه است.

گام دوم، تخلیه

گام دوم و قدم دوم در این سیر «#تخلیه» است. تخلیه پیراستن است نه آراستن؛ پیراستن باطن از رذائل اخلاقی و چه بسا پاک کردن و منزه کردن نفس از آثار آثام -یعنی سیئات و گناهان- است. چه بسا اولین دعایی که نسبت به اولین روز ماه مبارک رمضان وارد شده که شخص روزه‌دار می‌خواند، اشاره به همین مسأله تخلیه دارد. چون خود را تجلیه کرده، یعنی روزه گرفته و به آداب ظاهریه

لذا در روز اول ماه مبارک رمضان این دعا را می‌خوانیم: «اللّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ بِيَهْنِي فِيهِ عَنْ تَوَمَّةِ الْعَافِيينَ وَ هَبْ لِي جُزْئِي يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اغْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ». این دعا به همین قدم دوم، یعنی تخلیه اشاره دارد.

گام سوم که از آن تعبیر به «تحلیه» می‌کنند، این است که انسان روح را به صفات ملکوتیه کمالیه آرایش دهد و خودش را متخلق به اخلاق الهیه کند، که این هم دارای مراتب است.

گام چهارم مرحله‌ای است که اهل معرفت از آن به «فناء فی‌الله تعالی» تعبیر می‌کنند و مرادشان این است که روح سالک یعنی همان شخصی که سیر معنوی می‌کند، از اِثِّت در شهود حق فانی شود؛ چه در رابطه با فعلش، چه صفتش و چه ذاتش. این تعبیر را به کار می‌برند که فناء فی‌الله عبارت است از: «فانی شدن روح از اِثِّت در شهود حق». از نظر مسیر معنوی، این آخرین منزل سیر و سلوک است.

اما مطلب دوم؛ ماه مبارک رمضان اینطور است که هم ماه «؛نزول» است و هم ماه «؛صعود» است. اینکه ماه نزول است را شما خوب می‌توانید بفهمید؛ چون در قرآن و در دعا‌های ماه مبارک رمضان مطرح است که کلام الهی-قرآن کریم- در این ماه، از مصدر وحی بر نبی مکرم اسلام نازل می‌شود که خداوند به وسیله‌ی همان کلمات، انسان‌ها را در جمیع ابعاد پرورش می‌دهد و می‌سازد. در سوره دخان می‌فرماید: «؛إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» و در سوره قدر می‌فرماید: «؛إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». در سوره بقره هم می‌فرماید: «؛شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنِ».

همین تعبیر در دعای روزانه ماه رمضان هم هست. در اکثر دعا‌های ماه رمضان به این «#171;قوس نزولی» اشاره شده است که ماه مبارک رمضان، ماه نزول کلام الهی است. به تعبیر دیگر، ماه رمضان ماه سخن گفتن ربّ است با عبدش؛ یعنی ماهی است که ربّ، برای ساختن عبدش و راهنمایی او به سوی قرب خویش، با او سخن می‌گوید و سخن گفته است.

اما ماه مبارک رمضان همچنین ماه صعود است؛ یعنی چه؟ درست برعکس آن «؛ قوس نزولی» که گفتیم، اینجا «؛ قوس صعودی» مطرح است. یعنی این ماه، ماه کلام عبد با ربّ است. بله، در همه اوقات عبد می‌تواند با ربّ خودش سخن بگوید، ولی یک موقعیت خاصی هست که این سخن گفتن، از نظر سازندگی، بُرد بیشتری پیدا می‌کند.

در اینجا یک بحث مطرح می‌شود و آن بحث این است که عبد در چه قالبی می‌تواند با ربّ خود سخن بگوید. این را بدانید که این هم در ارتباط با ربّ است. یعنی خود ربّ به اولیاء خود الهام می‌کند و اولیاء الهی آن الهامات را در قالب خاصی می‌ریزند و نحوه سخن گفتن با ربّ را به عبد می‌آموزند که «؛ چگونه با ربّ خود حرف بزن!« همانطور که او با تو حرف زده است، تو هم با او حرف بزن؛ اما اینگونه که به تو می‌آموزیم با او حرف بزن.

قرآن خطاب به توسست؛ نمی‌خواهی پاسخ دهی؟!

خدا در ماه مبارک رمضان با تو صحبت کرده و کلامش را بر پیغمبر فرو فرستاده و پیغمبر هم قرآن را به شما تحویل داده و گفته است که این‌ها حرف‌هایی است که خدا با شما زده است. خدا در این خطاب‌هایی که در قرآن هست، مثل «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، دارد حرف می‌زند و به من و تو خطاب می‌کند. قرآن را نگاه کن؛ از اول تا آخر او دارد با تو حرف می‌زند. خوب، تو نمی‌خواهی جوابش را بدهی؟ او در ماه مبارک رمضان با تو سخن گفته است، تو هم باید در همین ماه با او سخن بگویی؛ هم قوس نزول است و هم قوس صعود. ماه رمضان ماه کلام ربّ و عبد است. لذا شما اگر به روایاتی که در باب ماه مبارک رمضان وارد شده است، مراجعه کنید، همین مطلب را می‌بینید.

سفارش به «زیاد دعا کردن» در این ماه

من حالا یکی دو تا روایت می‌خوانم که اصل این روایات در فروع کافی است ولی من از وسائل‌الشیعه نقل می‌کنم. روایت از امام صادق(ع) است که «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ(ع) عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالدُّعَاءِ»؛ یعنی علی(ع) فرمود: «بر شما باد در ماه رمضان، به کثرت دعا و استغفار».

در روایت دیگر آمده است: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ(ع) إِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالدُّعَاءِ»؛ یعنی حضرت امام سجاد(ع) در ماه مبارک رمضان اصلاً صحبت نمی‌کرد، مگر اینکه تمام جملاتی که از ایشان صادر می‌شد مضامین دعایی داشت. ما در این زمینه روایات بسیاری داریم. بنابر این آنچه که در ماه مبارک رمضان وظیفه عبد است، سخن گفتن با ربّ خود است.

«تجلیه، تخلیه و تحلیه» زمینه‌ساز سخن گفتن بنده با خدا

در باب ماه مبارک رمضان روایات زیادی داریم که ناظر به آن مطلب اول، یعنی بحث مراحل سیر و سلوک است. از نظر ظاهری که خودت را آراسته کرده‌ای به همین آداب ظاهری و دهانمان را از خوردن و آشامیدن بسته‌ایم. این همان قدم اول یعنی تجلیه است؛ اما آنچه مهم است گام‌های دوم و سوم، یعنی تخلیه و تحلیه است. این‌ها است که زمینه را فراهم می‌کند برای اینکه بتوانی با خدای خودت حرف بزنی. از الطاف الهیه این بوده که آنچه که مایحتاج عبد است تا بتواند با خدای خودش حرف بزند، آنها را پیشاپیش خودش عنایت کرده است.

سر ریز شدن رحمت الهی در این ماه

حالا یکی دو تا روایت می‌خوانم؛ در یک روایت دارد: «إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ كُلِّ قَدْ اسْتَوْجَبَ النَّارَ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أُعْتِقَ فِيهَا مِثْلَ مَا أُعْتِقَ فِي جَمِيعِهِ». یعنی خداوند در ماه رمضان هنگام افطار هفتاد هزار نفر از افرادی را که مستحق آتش هستند نجات می‌دهد و در شب آخر از این ماه به اندازه تمام کسانی که در طول این یک ماه نجات داده است، از آتش جهنم نجات می‌دهد. همه این‌ها نشانه سرریز شدن فضل و رحمت الهی در این موقعیت زمانی است.

در روایت دیگری دارد: «إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا صَاعَقَهُمْ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا صَاعَقَ كُلَّمَا أُعْتِقَ حَتَّى آخِرِ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَصَاعَفَ مِثْلَ مَا أُعْتِقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ». یعنی همین‌طور هر شب با ضریب بالاتر نسبت به شب قبل، تعداد بیشتری از بندگان را تطهیر می‌کند، تا این حجاب‌های ظلمانیه آن‌ها برطرف شود. اینها همه مقدمه این است که این عبد بتواند با او حرف بزند.

ماه مخصوص ارتباط دو طرفه خدا و بنده‌اش

لذا اهل معرفت گفته‌اند که یک «قرآن نازل» داریم و یک «قرآن صاعد» داریم؛ آن هم کلام است، این هم کلام است؛ آن کلام ربّ است با عبد، این کلام عبد است با ربّ؛ هر دو هم قرآن است. بنابر این اصلاً این ماه اختصاص به این ردّ و بدل شدن سخنان بین «ربّ و عبد» و «عبد و ربّ» دارد. از آن طرف، قرآن نازل شده است و از این طرف هم قرآن صاعد -بالا رونده- را داریم که عبارت است از آن راز و نیازهایی که بندگان صالح خداوند و اولیاء خاصّ حق -به اذن ربّ- با او داشته‌اند و سخن گفته‌اند.

آداب ظاهری ماه رمضان، زمینه ساز ارتباط با خدا

ما از آن سخن گفتن‌ها، به «ادعیه ماثوره« ائمه اطهار: تعبیر می‌کنیم. اصلاً ماه رمضان ماه «قرآن« و «دعا« است و این آداب ظاهری که در این ماه داریم، همه برای فراهم کردن زمینه همین رابطه «ربّ و عبد« و «عید و ربّ« است تا اینها با هم حرف بزنند؛ که از پایین به بالا، یعنی از طرف عبد به سوی ربّ، تقاضا و طلب و سؤال و درخواست است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به «دعا«. پس دعا سخنی بین عبد و ربّ است. یعنی بنده با پروردگارش صحبت می‌کند و از او درخواست می‌کند.

ندا، دعا، نجوا

به این تعبیراتی که علی(ع) در این مناجات به کار برده است نگاه کنید: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ«. اول صلوات می‌فرستد و بعد شروع می‌کند به گفتن آن جملات تا به اینجا می‌رسد که «وَ أَقِيلْ عَلَيَّ إِذَا تَجَيَّئْتُكَ«. اینجا دیگر بحث «مناجات« است. «ندا« یعنی اینکه انسان کسی را با صدای بلند فرا بخواند. «دعا« هم با صدا است، اما صدای بلند نیست. «مناجات و نجوا« بی‌صدا است.

لذا اینجا تعبیر می‌کند «وَ أَقِيلْ عَلَيَّ«، دیگر نمی‌گوید «وَ اسْمَعْ«؛ چون مناجات جنبه صوتی ندارد و صدا و آهنگ ندارد؛ بلکه یک امر درونی و قلبی است. این از تعبیرات زیبا و لطیف علی(ع) است. البته هم دعا و هم ندا و هم نجوا، نوعی رابطه «بین اثنی‌نی« و دو طرفه هستند، ولی این تفاوت‌ها را با یکدیگر دارند.

عدم اجابت دعا، به خاطر وجود حجاب‌ها

بحث دیگری که در اینجا مطرح می‌شود، بحث حُجُب و موانع دعا است. ممکن است من با شما صحبت کنم، شما هم با من صحبت کنید، اما به تعبیر ساده ممکن است مانعی در کار باشد که موجب شود شما سخنان من را نشنوید یا به آن اعتنا نکنید – که این اعتنا نکردن هم، مثل نشنیدن است – و برعکس ممکن است شما بگویید و من نشنوم. اگر اینطور باشد، این سخن گفتن‌ها و این ردّ و بدل کردن‌ها، بی‌فایده است. آیا این‌طور نیست؟ چه زمانی این گفت‌وگوها فایده دارد؟ آن زمانی که شما حرف من را بشنوید و به خواسته‌های من اعتنا کنید و همچنین برعکس.

لذا من عرض کردم که ندا، دعا و مناجات، همه اینها «بین اثنی‌نی« است و ممکن است گاهی اوقات چیزی مانع از این رابطه دو طرفه شود.

گناه، حجاب دعا

یک وقت هست که یک سنخ از اعمال، حجاب می‌شوند برای اجابت دعا؛ مثل گناه. یعنی معصیت‌هایی که از ناحیه اعضا و جوارح من و شما صادر می‌شود، مانع اجابت دعا است. لذا گفتیم که «اطاعت« با «اجابت« رابطه دارد؛ اگر مطیع خدا شدی، آنجا است که خداوند هم درخواست تو را اعتنا می‌کند و می‌پذیرد. از آن طرف، معصیت مانع اجابت دعا می‌شود. این مربوط به اعضا و جوارح من و شما است. اگر دروغ بگویی، غیبت کنی، مال مردم را بخوری و امثال این محرمات را انجام دهی، این‌ها مانع اجابت دعا است. می‌بینی چرا وقتی می‌گوییم: «خدا! خدا! خدا!« خدا اصلاً به من اعتنا نمی‌کند؛ چون این گناهان مانع اجابت دعا‌های من است.

حجاب‌های باطنی دعا

یک وقت هم هست که یک سنخ ملکات و امور درونی هستند که مانع اجابت دعا می‌شوند. این موانع مربوط به ملکات سیئه درونی عبد است که موجب می‌شود که این گوش دل راز الهی را نشنود. چون گفتیم که ماه مبارک رمضان ماه «راز و نیاز« است؛ اما گاهی راز از ربّ است و اظهار نیاز از عبد است. خوب، اگر راز از ربّ است، در اینجا این بحث مطرح می‌شود که باید حُجُبی که در ارتباط با باطن است هم برطرف شود. اما حجابی از ناحیه ربّ نیست. حجاب از ناحیه عبد است و باید این حجاب را برطرف کند. اما این حجاب‌ها و موانع با چه مقامی از مقام‌های معنویه بر طرف می‌شود؟

باز شدن درهای آسمان و رفع تمام موانع ارتباط ربّ و عبد

روایت از پیغمبر اکرم(ص) است؛ «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا تَعْلَقُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ«. حضرت فرمود درهای آسمان در اولین شب از شبهای ماه مبارک رمضان باز می‌شود و تا آخرین شب از شبهای این ماه هم بسته نمی‌شود.

این یعنی چه؟ منظور از ««سما» در اینجا آسمان نیست! اشتباه نکنید. «سما» اشاره به آن جهت علوی از عوالم وجودی و آن نشئه برتر عالم وجود است. ما در این «دنیا» در عالم ناسوت هستیم. این عالم دنیا پست‌ترین عوالم وجود است.

اینکه در روایت فرمود که خدا شب اول ماه مبارک رمضان درهای آسمان را باز می‌کند، یعنی چه؟ یعنی می‌خواهد بگوید از ناحیه آن عوالم برتر وجودی هیچ مانع و حاجبی در کار نیست. پس هر چه حجاب و مانع هست، از طرف من است. او دارد راز می‌گوید، اما گوش من نمی‌شنود. حالا من چه کار کنم تا این حجاب‌ها را بتوانم رفع کنم؟ در مقامات معنویه مقامی هست که آن را باید به دست بیاوریم؛ لذا می‌رویم سراغ روایت دوم تا ببینیم چه کار باید بکنیم.

«مقام رضا»، ثمره نهایی روزه

در حدیث معراج داریم که پیغمبر اکرم(ص) وقتی به معراج رفت، در آنجا خطاب شد «يَا أَحْمَدُ هَلْ تَعْلَمُ مَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟«؛ ای احمد، می‌دانی روزه چه اثری در پی دارد و چه چیزی به ارث می‌گذارد؟ «قَالَ: لَا. ثُمَّ قَالَ: مِيرَاثُ الصَّوْمِ قِلَّةُ الْأَكْلِ وَ قِلَّةُ الْكَلَامِ وَ مِيرَاثُ الصَّوْمِ أَنَّهَا ثَوْرُ الْحِكْمَةِ وَ هِيَ ثَوْرُ الْمَعْرِفَةِ وَ ثَوْرُ الْمَعْرِفَةِ الْيَقِينُ فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ يَغْسِرُ أَمْ يُغْسِرُ فَهَذَا مَقَامُ الرَّاغِبِينَ«؛ روزه دو اثر دارد؛ یکی اثر ظاهری است که همان کم خوردن است و دومی که بالاتر است، کم صحبت کردن و سکوت است که ما به آن «صوم صمت» می‌گوییم. اگر جلوی زبانت را بگیری و مراعات زبانی داشته باشی، این موجب می‌شود که حکمت پیدا کنی. آن وقت میراث حکمت، معرفت است و معرفت هم یقین را از خود به ارث می‌گذارد و ثمره یقین هم «مقام رضا» است و این همان مقامی است که با آن می‌توانی حجاب‌ها را برطرف کنی.

روزه‌ای برای همه؛ حتی ناتوان‌ها و پیرها

من به آن کسانی که از نظر شرعی معذورند و نمی‌توانند روزه بگیرند و غصه می‌خورند که من محروم شدم از برکات صوم و ماه مبارک رمضان، می‌خواهم بگویم که این دیدگاه و نگرش تو یک نگرش مادی است. شما خیال کرده‌اید که روزه نخوردن و نیاشامیدن است؟ برای تو هم روزه وجود دارد. آنچه بالاتر از «قِلَّةُ الْأَكْلِ» و کم خوردن است؛ آن چیست؟ جلوی زبانت را بگیر؛ یک ماه رمضان، از اول تا آخر غیبت نکن، دروغ نگو، تهمت نزن، ایذاء مومن نکن، برو جلوی آفات زبانت را بگیر؛ روزه اینجا هم هست. میراث الصوم این است. بله، اگر صحت مزاج داری و عذر شرعی نداری، قِلَّةُ الْأَكْلِ هم در کنارش هست تا درد و اِلَمِ گرسنگی و تشنگی را بچشی که آن هم آثاری دارد.

«روزه شکمی» و «روزه معنوی»

در روایات داریم که فردی خدمت پیغمبر اکرم(ص) آمد و گفت: «من روزه هستم.» حضرت به او فرمود: «استفراغ کن!« دید همین‌طور دارد تکه‌تکه گوشت از حلقش بیرون می‌آید. پرسید: «این چیست؟« حضرت فرمود: «غیبت کرده‌ای! این روزه نیست.» روایت می‌خواهد همین را بگوید که من اشاره کردم. این اصلاً روزه نیست. روزه شکمی هست، ولی روزه معنوی نیست.

«صمت» اصلاً حرف نزدن نیست!

پیغمبر اکرم(ص) فرمود «وَمِيرَاثُ الصَّوْمِ أَنَّهَا ثَوْرُ الْحِكْمَةِ«؛ یعنی میراث سکوت، حکمت است. پس معلوم می‌شود منظور از این «صوم صمت» که در روایات هست، «حرف نزدن» مطلق نیست، بلکه مراد همان «قِلَّةُ الْكَلَامِ» و پرهیز از بیهوده‌گویی است. اتفاقاً بعضی جاها باید حرف بزنی؛ با خدا باید حرف بزنی؛ باید دعا بخوانی. نه اینکه هر چیزی که از دهانت بیرون بیاید را بگویی. آن چیزی که برای تو حُجُب را برطرف می‌کند و تو را به «مقام رضا» می‌رساند، آن را مراقبت کن!